

به نام خدا



دانشگاه جامع علمی کاربردی

دانشگاه علمی کاربردی واحد ۱۳

نام درس: فرهنگ اقوام

مدرس: ناهید خوشنویس

بهار ۱۳۹۷

# جزوه شناخت اقوام

## فرهنگ در گذشته و حال

در فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو، واژه‌ی culture آمده است:

از ریشه‌ی cultura که در زبان لاتین، معنای مراقبت از گیاهان و در معنای مجازی مراقبت از اندیشه را می‌دهد گرفته شده است.

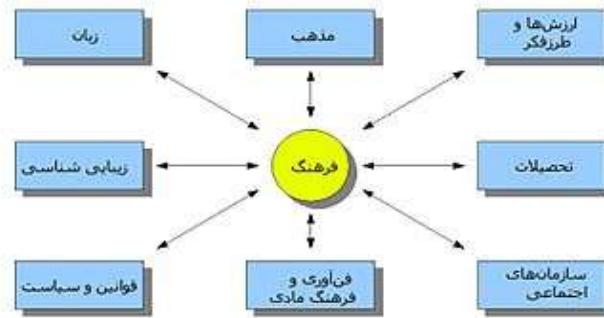
فرهنگ عبارت است از هر آنچه که در یک جامعه‌ی معین کسب می‌کنیم، می‌آموزیم و می‌توانیم انتقال دهیم

## معادل فرهنگ در زبان های مختلف :

دوره کلاسیک و شاید پیش از کلاسیک یعنی واژه کالچر culture ادبیات لاتین ریشه میگیرد و در اصل به معنای کشت و کار یا پرورش آمده است و بعدها به معنی پرورش نفس در زبان یونانی معنای پرورش بخود گرفت .

کاربرد این واژه از قرن هیجدهم بطور عام برای نشان دادن تربیت روح بکار گرفته شده است.

زبانهای مانند پرتغالی ، اسپانیایی ، فرانسوی ، ایتالیایی ، رومانیایی و زبانهای انگلیسی در آغاز واژه CIVILIZATION را که بجای culture بکار بردند منظورشان پیشرفت اجتماعی بود .



مردم شناس انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی بیان می‌کند وی فرهنگ را اینگونه تعریف می‌کند که :

فرهنگ یا تمدن کلیات هم تافته و مجموعه پیچیده ای را که شامل دین ، صنایع ، فنون ، هنر ، قانون ، اخلاقیات ، آداب و رسوم و هرگونه استعداد و مهارت تکنیک و فنون است که انسان از طریق عضویت در جامعه کسب می‌کند و درقبال آن تعهداتی بر عهده می‌گیرد .

همچنان که می‌بینید تایلور تعریف حداکثری از فرهنگ ارائه نموده و فرهنگ را همچون اعضای تشکیل دهنده بدن انسان وابسته به هم و در ارتباط با یکدیگر تلقی می‌کند و باز فرهنگ را مجموعه ای از آداب و رسوم ، اخلاقیات و دانش ها بطور خلاصه مجموعه ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر داند که به تدریج این دستاوردها جزء عادات خوب و یا بد جامعه و هنجارهای آن جامعه شده است.

خواسته باشیم می‌توانیم بگوییم تایلور فرهنگ را به دو قسمت تقسیم نموده است :

دسته اول(فرهنگ معنوی یا غیر مادی): شامل عناصری همچون اعتقادات ، هنر ، اخلاق ، سنن ، آداب و رسوم و رفتار

دسته دوم(فرهنگ مادی): شامل صنایع ، فنون ، قوانین ، مقررات

## تعریف فرهنگ از نظر آقای هرسکوویتس

وی از ۲۵۰ تعریف در خصوص فرهنگ در زمان خود یاد کرده و می گوید فرهنگ اساس بنایی است که مبین تمامی باوره ، رفتارها ، دانش ها ، ارزشها و مقصدهایی است که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می کند و سر انجام اینکه فرهنگ عبارتست از هر آنچه یک ملت دارد، آنچه انجام می دهد و آنچه می اندیشد.

## ویژگیهای فرهنگ از نظر آقای هرسکوویتس :

- ۱- فرهنگ یک امر اکتسابی است
- ۲- فرهنگ عوامل طبیعی ، روانشناسی و تاریخی زندگی انسان را در برمی گیرد.
- ۳- هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است.
- ۴- فرهنگ دارای جاذبه های متعدد است.
- ۵- فرهنگ در طول زمان تغییر می کند.
- ۶- فرهنگ های مختلف در روی زمین وجود دارند.
- ۷- هر فرهنگ دارای قواعد و اصولی است که تحقیق علمی آنها عملی و میسر است.
- ۸- فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی خود و در عین حال وسیله ای برای ظهور امکانات خلاقه اوست.

## تعریف فرهنگ از نظر آقای دکتر محمد صادق غلام جمشیدی

فرهنگ مجموعه ای از سنن ، باورها ، اداب ، اخلاق فردی یا خانوادگی و اقوامی که پایبندی ایشان به امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می شود .

فرهنگ به دو دسته تقسیم می شود :

- ۱- فرهنگ مادی : به مجموعه پدیده هایی اطلاق می گردد که محسوس ، ملموس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و عملی است مانند فنون ، ابزارهای کاربردی و تولیدی و ماشین و موتور.
- ۲- فرهنگ غیر مادی : به مجموعه و مسایلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند اعتقادات ، ضوابط

خویشاوندی ، هنر ، زبان ، ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهند .

## جنبه های مختلف فرهنگ

فرهنگ دارای سه جنبه : ۱- جنبه شناختی ۲- جنبه فنی و مادی ۳- جنبه سازمانی می باشد .

۱- جنبه شناختی فرهنگ : عبارتست از باور داشت ها ، اسطوره ها ، ارزشها ، ایدئولوژی ها ، رویکردها یا دانش فرهنگ یک جامعه از این وجه شناخته می شود اینها جنبه شناختی یک فرهنگ هستند

۲- جنبه فنی و مادی فرهنگ : عبارتست از مهارتها ، پیشه ها ، ابزارها و خلاصه چیزهای مادی دیگر که اعضای جامعه آن را بکار می برند.

۳- جنبه سازمانی فرهنگ : عبارتست از آداب ، رسوم ، عرف ها ، قوانین ، نقشها که پایگاه های گوناگون یک فرهنگ هم بسته اند و همچنین قوانین و مقررات شیوه و نوع رفتاری که انتظار می رود اعضای جامعه هنگام فعالیت روزانه انجام دهند یا رعایت نکنند جزء جنبه های سازمانی فرهنگ است . تمام این جنبه ها مقداری از جنبه های دیگر را با خود دارند در مسایل فرهنگی مطلق وجود ندارد بلکه همیشه یک ترکیبی وجود دارد ولو به اندازه کم ، همواره به چشم می خورد . بطور مثال در جنبه شناختی ما مقداری با جنبه فنی مواجه هستیم

## انواع فرهنگ

صاحب نظران و فرهنگ شناسان، برای فرهنگ انواع یا سطوح مختلفی را ذکر می کنند و مبنای متفاوتی را برای تقسیم بندی در نظر می گیرند. یکی از تقسیم بندی ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش می باشد. در این تقسیم بندی انواع فرهنگ عبارت است از :

۱- فرهنگ ملی : فرهنگی است که چندین نسل در آن مشترک اند و به عنوان عامل مؤثر در تعیین هویت ملت ها قلمداد می شود.

۲- فرهنگ عمومی: فرهنگی است که وجوه مشترک زیادی با فرهنگ ملی دارد ولی در مظاهر فرهنگی با تغییرات متناسب با شرایط و مقتضیات محیطی همراه است. {به یک معنا فرهنگ عمومی، ظهور و نمود فرهنگ ملی در دوره های زمانی کوتاه مدت و تحت تأثیر شرایط زمانی است.} .عموم افراد جامعه در فرهنگ عمومی مشترک اند.

۳- فرهنگ تخصصی: فرهنگ سازمانی: فرهنگی است که اعضای یک سازمان در آن مشترک اند. فرهنگی است که بخشی از افراد یک جامعه براساس حرفه و تخصص و حوزه شغلی خویش در آن مشترک اند.

۴- فرهنگ سازمانی: بی شک دنیای امروز، دنیای سازمان هاست و متولیان این سازمان ها انسانها هستند. به عبارت دیگر، فلسفه وجودی سازمان متکی به حیات انسان است. انسانها در کالبد سازمان ها روح می دمند آن را به حرکت در می آورند و اداره می کنند. سازمانها بدون وجود انسان، نه تنها مفهوم نخواهد داشت، بلکه اداره آنها نیز میسر نخواهد بود. انسان همواره از سازمان به عنوان ابزار و وسیله ای برای نیل به هدف های خود سود جسته است و در تلاش بوده است، تا بر اساس اهداف مورد نظر به ایجاد و گسترش سازمانهای مناسب پردازد.

رایینز (۱۹۹۰) معتقد است که: { فرهنگ سازمانی عبارت است از ارزشهای غالبی که توسط اکثریت قریب به اتفاق سازمان پذیرفته و حمایت می گردد و عامل انسجام اعضاء و محتوایی درونی آنها می باشد. } مناسب پردازد.

فرهنگ سازمانی هویت اجتماعی هر سازمان را تشکیل می دهد. گریفین (۱۹۸۹)

## **خرده فرهنگ**

در اصطلاح دانش مردم شناسی به ارزش ها و هنجارهای متفاوت با ارزش ها و هنجارهای گروه اکثریت که یک گروه درون جامعه ای بزرگ تر داراست.

خرده فرهنگ ها قابل شناسایی و تغییر هستند و بیشتر به ارزش های گروه اقلیت اطلاق می شوند

علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که ریز فرهنگ یا خرده فرهنگ خوانده می‌شود.

در تعریف خرده فرهنگ گفته‌اند: «خرده فرهنگ بر دستگاهی از ارزش‌ها، سلوک‌ها، شیوه‌های رفتار و طرز زندگی یک گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می‌شود.»

با توجه به تعریف ذکر شده، به طور ساده می‌توان گفت خرده فرهنگ، فرهنگی درون فرهنگ بزرگ‌تر است

### **شکل گیری خرده فرهنگ**

خرده فرهنگ‌ها را می‌توان شیوه‌هایی برای ابراز وجود دانست که گروه‌های مختلف، در تلاش جمعی برای مقابله با تضادهای طبقاتی، به وجود می‌آورند و خود را غالباً در انتخاب سبک خاصی از پوشش، واژگان و زبان خاص و نوع خاصی از موسیقی نمایان می‌سازد.

اما همانطور که ذکر شد خرده فرهنگ‌ها با وجود تفاوت‌هایی که با فرهنگ عمومی جامعه دارند، در عناصری با آن مشترک هستند.

به‌طور سنتی، شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها در غرب با ویژگی‌های طبقاتی و تضادهای ناشی از آن مرتبط دانسته می‌شود. اما زمینه‌های دیگری مثل خاستگاه قومی، محل سکونت، تعلقات دینی و متغیرهای مشابه نیز بر آن سهمیم هستند، به عنوان مثال ویژگی‌های مردم یک استان از لحاظ گویش، آداب و رسوم، نحوه پوشش، مهمان‌نوازی، ازدواج و نظایر این فرهنگ‌ها آن‌ها را از سایر فرهنگها مشخص و متمایز می‌کند. این فرهنگ ویژه را خرده فرهنگ آن استان می‌گوییم در حالی که جزیی از فرهنگ کشور تلقی می‌شود.

## تمدن

تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک دوره تاریخی در یک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند.

در این تعریف سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و همچنین تاکید می‌شود بر دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی که دوره تاریخی می‌تواند کوتاه یا بلند و منطقه جغرافیایی می‌تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد، عنصر دیگر تعریف دستاوردها هستند که بدون آن تمدن معنای خود را از دست می‌دهد، و همچنین یک جامعه بی هدف در تعریف تمدن چیست؟

### رابطه بین دو واژه تمدن و فرهنگ

برخی تمدن و فرهنگ را مترادف یکدیگر بکار می‌برند. گروهی دیگر فرهنگ را در نقطه مقابل تمدن قرار می‌دهد.

در این مضمون، معنی فرهنگ تغییر کرده همه عقاید و آفرینش‌های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر، و ادبیات را شامل می‌شود.

حال آنکه تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می‌کند. خط، تکنولوژی، و علم عمومی ترین معیارهای مورد استفاده بوده‌اند. همراه با این معیارها، از خصوصیت‌های دیگری نیز استفاده ده است که در مشاهده تجربی، فرهنگ‌ها غالباً با آنها پیوستگی داشته‌اند: وجود شهرها، وجود ناهمگنی جمعیتی که بر اثر تقسیم پیچیده کار با هم مرتبط شده‌اند، و تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی.



## تعریف قومیت:

گروه‌هایی که از لحاظ زبان، مذهب، رنگ، پوست و نژاد با گروه‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند، گروه‌های قومی قلمداد می‌شوند

آنتونی اسمیت نیز ملاک‌های متنوعی را در تعریف مفهوم گروه قومی به کار می‌برد.

قوم در تعریفی کارآمد و کوتاه از نظر وی عبارت است از: «یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت»

بنا بر این مهمترین خصوصیات یک قوم را میتوان در موارد زیر دانست .

۱- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره ای

۲- نام مشترک

۳- سرزمین مشترک

۴- زبان مشترک

۵- فضاهای مشترک زیستی

۶- آداب و رسوم مشترک

۷- ارزشهای مشترک

۸- احساس تعلق به گروه واحد

## تعریف مردم شناسی

مردم‌شناسی از جمله علوم اجتماعی عام است که به علم مطالعه زندگی انسان در مراحل ابتدائی تعریف شده‌است و جنبه‌های گوناگون انسان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهد. آنچه مردم‌شناسی کنونی را از دیدگاه‌های کهن جدا می‌سازد و میان این دو مرز می‌کشد، همانا روش تحقیق علمی است. مردم‌شناسی علم است و از این رو قادر به تبیین، پیش‌بینی و کنترل روابط پایدار بین نمودهای حوزه فرهنگ انسانی یا جامعه بشری است. این رشته، اکنون برای مطالعه جوامع ابتدایی و انسان فسیل در کنار انسان‌شناسی جسمانی به کار می‌رود. مردم‌شناسی زندگی اجتماعی و حیات فکری و فرهنگ انسان را با توجه به سیر تاریخی و مناسبات طبیعی و اجتماعی بررسی می‌کند و ویژگی‌های جسمانی و زندگی فکری و فرهنگی انسان‌های نخستین و جوامع ابتدایی را می‌کاود. می‌توان گفت این علم آئینه تمام‌نمای جامعه معاصر است یعنی می‌تواند علل به وجود آمدن سازمان‌ها و بنیان‌های کهن فرهنگی جامعه بشری را که برخی در جوامع معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده‌اند کشف نماید.

## مردم‌نگاری

مردم‌نگاری یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش در مطالعات مردم‌شناسی است. در اواخر قرن ۱۸ به منظور شناخت شیوه زندگی مردم قاره‌های دیگر به وسیله اروپائیان به کار برده شد و در قرن ۱۹ رونق گرفت. بر مشاهده همراه با مشارکت در زندگی جامعه مورد مطالعه، مصاحبه و توصیف مبتنی است و با روش‌های کمی، پرسشنامه‌ای و مبتنی بر آمار در سایر علوم انسانی تفاوت دارد.

در پژوهش مردم‌نگاری، زمینه پژوهش و گروه انسانی باید محدود و کوچک باشد تا تعداد محدودی پژوهشگر از این طریق بتوانند منطقه را مورد مطالعه قرار دهند. از این روست که مطالعه مونوگرافی (تک‌نگاری) در حوزه مطالعات مردم‌شناسی اهمیت بسیار دارد.

## تعریف انسان شناسی

هر منظومه‌ی معرفتی را که به بررسی انسان و یا بعد یا ابعادی از وجود انسان و یا گروه و قشر خاصی از انسانها می پردازد ، می توان انسان شناسی نامید . انسان شناسی انواع مختلف و متنوعی دارد که به لحاظ روش و یا نوع نگرش ، از یکدیگر متمایز می شوند.

## انواع انسان شناسی

انسان شناسی را می توان **بر اساس روش** ۱: به انسان شناسی تجربی ، عرفانی ، فلسفی و دینی تقسیم کرد.

انسان شناسی را می توان **بر اساس نگرش** ۲: به انسان شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر دسته بندی نمود.

## انسان شناسی خرد و کلان:

مجموعه بحث و بررسی های انجام یافته در مورد انسان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

گاهی در بررسی انسان بعدی خاص ، گروهی به خصوص و یا انسانهای زمان یا مکان ویژه ای مورد نظر قرار گرفته و دانشمندان درصدد طرح سؤال و یافتن پاسخ در آن خصوص بر می آیند. و گاهی انسان به طور کلی و با صرف نظر از بعد ، شرایط ، زمان و مکان خاص ، کانون توجه کاوشگران و پژوهشگران قرار می گیرد و در پی یافتن رمز و راز آن بر می آیند . انسان شناسی نوع نخست را انسان شناسی خرد یا جزء نگر و انسان شناسی نوع دوم را انسان شناسی کلان یا کل نگر می توان نامید .

## تفاوت انسان و مردم شناسی

رادکلیف براون مردم شناس انگلیسی، با در نظر گرفتن مسائل مربوط به تاریخ و جغرافیا گفت: مردم شناسی عبارتست از مطالعه و تحقیق همه جانبه در باره فرهنگ جامعه .

و انسان شناسی عبارتست از: مطالعه و تحقیق ویژگیهای انسان طبیعی (فیزیکی و زیستی) در میان اقوام و نژاد های مختلف از یک سو و ویژگیهای فرهنگی- اجتماعی از سوی دیگر

### کوچ

منظور از کوچ و کوچ نشینی نوعی زندگی است که در آن به دلیل اتکا به شغل دامداری به منظور بهره گیری از منابع طبیعی ناچار به حرکت و جابه جایی از نقطه ای به نقطه ی دیگر میباشد. اگر چه فعالیتهای جانبی دیگر مانند کشاورزی و صنایع دستی نیز در این جامعه رواج دارد. امروزه در مملکت ما اصطلاحات مختلف نظیر: عشایر کوچ نشینی، گله دار، ایلپاتی، چادر نشین و غیره به کار برده می شود که همگی دال بر زندگی کوچ نشینی است.

### انواع کوچ

کوچ های عشایری معمولا از نظر چگونگی کوچ و موقعیت جغرافیایی محل و محدوده حرکت به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) کوچ افقی: در این نوع کوچ عشایر معمولا مسافت زیادی را طی می کنند که این مسیر حد فاصل چند شهرستان و یا استان را شامل میشود. در بعضی از مناطق این مسافت به هزار کیلومتر هم می رسد. این دسته از عشایر در طول مسیر کوچ از این مراتع استفاده میکنند. این گروه بر خلاف دسته قبل در بیلاق و قشلاق دارای اراضی کشاورزی و باغات کمتری میباشد و عموما عشایر کوچرو هستند. ایلات قشقایی و خمسه در استان - طوایف چادر نشین کرمانشاه کردستان و ایلام دارای این نوع کوچ هستند.

کوچ افقی به دو محدوده جغرافیایی قابل تقسیم است:

۱) کوچ درون استانی که در محدوده یک یا چند شهرستان واقع در حوزه یک استان صورت میگیرد.

۲) کوچ برون استانی که فراتر از یک استان در محدوده چند شهرستان یا چند استان صورت میگیرد.

ب) کوچ عمودی: در این نوع کوچ مهاجرت از دشت به کوهستان صورت می گیرد. به عبارت دیگر کوچ از ارتفاعات بالا به پایین و بالعکس انجام می شود. به دلیل شرایط آب و هوایی دسته ای از عشایر زمستان را در زمین های پست و تابستان را در ارتفاعات کوهستانی به سر می برند. از خصوصیات این نوع کوچ کوتاه بودن طول مسیر کوچ است. عشایر ممسنی ایلات سنگسری - پروری - الیکایی - هداوند و عرب سرهنگی در استان سمنان دارای این نوع کوچ هستند.

### **تعریف کوچ عشایر**

عبارت است از جابجایی و حرکت افراد و خانوارهای عشایری بین قلمروهای بیلاقی (سردسیر) و قشلاق (گرمسیر) که با هدف دسترسی به علوفه مرتعی تازه برای اهتراز از گرما و سرمای شدید انجام می گیرد. کوچ عشایر معمولاً با شرکت همه افراد خانوار، بار و بنه و سرپناه قابل حمل در قالب رده های ایلی و یا امروزه به صورت انفرادی و تک خانواری صورت می گیرد. کوتاه و بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ عشایر به وجود نمی آورد.

مسیر کوچ: به خط سیر حرکت و جابجای عشایر کوچنده از بیلاق به قشلاق و بالعکس اطلاق می شود. به مسیرهای سنتی کوچ عشایر «ایلراه» گفته می شود.

زیست بوم عشایری: محدوده ای از سرزمین و قلمروایل و یا قلمرو رده های ایلی عشایر است که علی الاصول شامل بیلاق، قشلاق و مسیر بین این دو (میان بند) است.

بیلاق یا سردسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می‌شود که عشایر تمام و یا قسمتی از فصول بهار و تابستان را در آن می‌گذرانند. در بین برخی از عشایر به بیلاق، سرحد نیز گفته می‌شود.

قشلاق یا گرمسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می‌شود که افراد و خانوارهای عشایری، تمام یا قسمتی از فصول پاییز و زمستان را در آنجا سپری می‌کنند.

میان‌بند: به مناطق بین قلمروهای بیلاقی و قشلاقی عشایر اطلاق می‌شود. مسیرهای عبور عشایر (ایلراه‌ها) و اتراقگاه‌های موقت بین راهی در میان‌بند قرار داشته است. همچنین متناسب با فصل یا دوره کوچ، میان‌بند دارای مراتع بهارگه چر یا بهارچر و پاییزچر بوده است.

## عشایر و کوچ نشینان ایران

کوچ نشینی کهن ترین شیوه زیست بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگ ترین جاذبه های این شیوه معیشت است و همین شیوه خاص زندگی سبب شده ایلات و عشایر «دیدنی ترین جاذبه عصر تکنولوژی» لقب بگیرند.

عشایر به شیوه ای جذاب و باورنکردنی طی قرن ها و سال های طولانی اقدام به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود نموده اند و این اصالت به جاذبه ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است.

مسکن عشایر و نوع زندگی آن ها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی و محلی از مهم ترین جاذبه های ایلات و عشایر است.

بارزترین مشخصه ایلات و عشایر شیوه زیست آنان است که بر خلاف یک جا نشینان روستایی و شهری، در کوچ و نقل و انتقال دایمی سیاه چادرها و رمه های خود هستند. عشایر کوچ رو که یکی از جاذبه های مهم گردشگری فرهنگی به شمار می آیند در همه نقاط ایران، در حوزه های غرب و جنوب غرب، شرق و جنوب شرق، شمال غرب، شمال شرق و مرکزی ایران ایلات و عشایر پراکنده شده اند.

## ایلات و عشایر حوزه غرب و جنوب ایران

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه های زاگرس کشیده شده که دارای بیش از ده میلیون هکتار جنگل بلوط، بادام کوهی و پسته وحشی و آب و هوای مرطوب و مراتع غنی است. وجود خصوصیات طبیعی یاد شده سبب شده ایلات و عشایر متعددی در این منطقه پراکنده باشند. رشته کوه های زاگرس از کوه های آرارات در شمال آغاز و تا استان فارس در جنوب ایران تداوم یافته و از آن جا به موازات خلیج فارس به شرق کشیده شده و به کوه های پاکستان می رسند. منطقه یاد شده شامل استان های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و فارس می شود.

وجود ارتفاعات سرسبز و خنک، در کنار دره های پر آب و جنگلی و دشت های معتدل و نسبتاً گرم در یک محدوده نزدیک گاه زندگی کوچ نشینی در چارچوب یک منطقه محدود را میسر ساخته و دام داران را از رنج کوچ های طولانی و برون منطقه رهایی بخشیده است.

عشایر کرد از زمان های گذشته در شمالی ترین بخش زاگرس در محدوده استان های آذربایجان غربی و کردستان پراکنده شده اند که امروزه برخی از آن ها در کوهستان های اطراف اسکان یافته اند. ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزا، قره پاپاق و... در استان آذربایجان غربی و ایلات گلباغی، طوایف اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طواف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده اند

## ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق

در حوزه شرق و جنوب شرق کشور که بخشی از خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و هرمزگان را در بر می گیرد، شرایط آب و هوایی خاصی حاکم است. در این حوزه تنوع و تضاد اقلیمی شدید و در مجموع منطقه ای کم آب و کم باران با آب و هوای گرم کوبیری و اختلاف درجه حرارت چشمگیر در شبانه روز است. عشایر بلوچ از مهم ترین ایل های ساکن در جنوب شرق ایران هستند.

مجموع شگفتی های طبیعی، حوزه یادشده را به ۴ منطقه بیلاقی (دره های کوه تفتان و منطقه بردسیر و لاله زار و بارز با آب و هوای لطیف و چشمه های گوارا) معتدل (با اختلاف شدید درجه

حرارت در روز و شب) گرمسیری (با هوای خفکان آور و گرمای شدید در شبانه روز) ساحلی (با هوای گرم و مرطوب) تقسیم کرده است. بیشترین تراکم جمعیت عشایری این حوزه در امتداد کوهستان های مرتفع مرکزی کرمان (شهرستان های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم) دیده می شوند.

## ایلات و عشایر حوزه شمال غرب

حوزه شمال غربی ایران شامل سرزمین آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و بخشی از گیلان است که به دلیل کوهستانی بودن منطقه از تنوع آب و هوایی برخوردار است. جنگل ها و مرغزارهای سرسبز و مراتع پهناور از ویژگی های این ناحیه است که سبب زندگی عشایر در این منطقه شده است.

در آذربایجان شرقی طوایف متعددی مانند ایل شاهسون زندگی می کنند.

بیلاق آن ها در کوهپایه های سبلان و قوشه داغ در پیرامون اهر و مشگین شهر است و طوایف ارسباران (قره داغ) و طوایف خلخال در کوه های طالش زندگی می کنند. قشلاق شاهسون ها و طوایف ارسباران، جلگه کم عمق مغان است و گرمسیر طوایف خلخال حاشیه رود قرزل اوزن است.

ایل میلان و ایل جلالی نیز در همین حوزه در منتهی الیه شمال غربی زندگی می کنند

## ایلات و عشایر حوزه شمال شرق

حوزه شمال شرقی ایران به دلیل وسعت زیاد از اقلیم متنوعی برخوردار است. این سرزمین دارای جنگل در قسمت های شمال غربی و مراتع متوسط و ضعیف در سایر قسمت ها است. ایلات و طوایف این حوزه نیز از پیشینه و قدمت طولانی برخوردارند. ایل افشار که از دیرزمان در خراسان ساکن بوده، از ایلات ترک است. ایلات کرد زعفرانلو در شمال و شمال شرقی خراسان رضوی پراکنده شده اند.

ایلات ترک افشار از منتهی الیه شمالی خراسان، درگز و کوهپایه های کپه داغ تا الله اکبر تا هزار مسجد ایلات ترک افشار و قره قویونلو و... کوچ می کنند. در حرکت به جنوب با ایل بهلولی مواجه می شویم که بیلاقشان در ارتفاعات بیرجند و قائنات است.



ترکمن ها جذاب ترین عشایر منطقه شمال شرق ایران هستند که محل زندگی آن ها، زیورآلات، لباس های محلی، مراسم عروسی و عزای آنها برای گردشگران بسیار جالب است.

ضمن آن که تقریباً تنها قومی هستند که اجازه می دهند غریبه ها در مراسم خصوصی آن ها شرکت کنند

بنابراین بازدیدکنندگان بی هیچ دغدغه ای می توانند مراسم خصوصی چون عروسی و جشن های ترکمن های مهربان را از نزدیک ببینند.

وجود عشایر ترکمن و آداب و رسوم جذاب آن ها سبب شده آن ها یکی از معروف ترین عشایر ایران پس از عشایر قشقایی باشند که گردشگران تمایل زیادی به بازدید از شیوه زیست و آشنایی با آداب و رسوم آن ها دارند

## ایلات و عشایر حوزه مرکزی

حوزه مرکزی ایران شامل استان های زنجان، همدان، سمنان، مرکزی، تهران و بخشی از مازندران می شود که ویژگی عمده آن ها نزدیکی به پایتخت است. این ویژگی سبب شده که کوچ نشینان این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی متمایزی نسبت به دیگر عشایر باشند. طوایف لر چگینی و غیاثوند، طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر در استان زنجان سکونت دارند. بقایایی از طوایف مختلف مانند کل کوهی و میش مستی و ... نیز در استان مرکزی در میان ساوه و استان زنجان زندگی می کنند.

در استان همدان نیز طوایف ترکشوند، یارم طاقلو، جیمر و شاهسون زندگی می کنند. در دامنه های جنوبی البرز و در شمال استان سمنان و شمال و غرب استان تهران طوایف نیمه کوچ نشین با تنوع فراوان نژادی و قومی زندگی می کنند.

## نوع مسکن میان ایلات و عشایر

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می توان به دو دسته **خانه** و **سیاه چادر** تقسیم کرد: خانه:: مساکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می شود و جنبه ُ دائمی دارند.

چادر: نیز در میان بیش تر چادر نشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی آن ها مناسب است. چادرها را می توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت چارپایان برای بردن به ناحیه ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولا یا دایره شکل و یا مسطیلی است.

هر یک از ایلات و عشایر یاد شده دسته ها و رده بندی های ایلی خاص آن منطقه که به تفصیل در مناطق مورد نظر آورده خواهد شد را رعایت می کنند و آداب و رسوم و شیوه های زندگی هر یک از این اقوام با یک دیگر تفاوت های اساسی دارند که همه این تفاوت ها و گونه گونه ها سبب شده که ایلات و عشایر به عنوان جاذبه های دیدنی عصر تکنولوژی به شمار آیند.

### **قوم های معروف ایران:**

ایران کشوری است که از اقوام گوناگونی تشکیل شده است. در زیر به برخی از مهم ترین این اقوام اشاره میشود.

لازم به ذکر است که خود این اقوام نیز در مواردی به شاخه های مختلفی تقسیم می شوند.

(۱) قوم پارسیها - فارسها:

بیش از ۶۵٪ از جمعیت ایران از نژاد فارس (پارس) هستند.

فارس ها از اعقاب نژاد ایلامی یا آریایی هستند که در هزاره دوم پیش از میلاد در فلات میانی ساکن شدند و نام پارس (پرشیا) را برای ایران برگزیدند. فارسی زبانان ایران ترکیبی از اقوام مختلف ایران باستان هستند.

فارسی زبانان، افزون بر ایران در افغانستان، تاجیکستان، سمرقند در ازبکستان نیز وجود دارند. فارسی زبانان در ایران بزرگترین گروه زبانی به شمار می آیند زیرا طی چند دهه اخیر میلیونها مهاجری که از مناطق زبانی دیگر به تدریج به استان تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران مرکزی آمده اند و زبان فارسی زبان اول یا تنها زبان نسل دوم یا سوم آنها گشته، درصد فارسی زبانان ایران را تا درجه زیادی بالا برده است.

(۲) قوم گیل و گیلک

گیل در گذشته به بخش کوهستانی دیلم اطلاق می شد و مردمان آن دیار را دیلمان می گفتند. این مردم امروزه در استانی موسوم به گیلان که در جنوب دریای خزر واقع است زندگی می کنند

زبان این قوم گیلکی نامیده می شود.

### ۳) ترکمن ها

ترکمنها از نژاد اقوام ترک هستند.

این قوم اصولاً در منطقه ترکمن صحرا (جلگه واقع در شرق استان مازندران و شمال استان خراسان و در همسایگی جمهوری ترکمنستان) زندگی می کنند. به لحاظ تاریخی در نتیجه قراردادی که برای تعیین مرز بین المللی بین ایران و شوروی سابق توسط حاکمان وقت ایران و روسیه به امضا رسید، تعداد زیادی از ترکمنها در داخل مرز ایران ماندند. در آن قرارداد رودخانه اترک بعنوان مرز مشترک دو کشور تعیین گردید.

### ۴) کردها

کردها یکی از اقوام ساکن خاورمیانه هستند که در غرب آسیا و در بخش غربی فلات ایران زندگی میکنند.

کردها به زبان کردی، از شاخه غربی زبانهای ایرانی سخن میگویند کردی که اکثر کردها در (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) با آن صحبت میکنند زبان ادبی و نیمه رسمی به شمار میرود و در کشور عراق از زمان اشغال قوای انگلیس تا کنون در مدارس تدریس میشود خود به دو بخش تقسیم میشود:

• کرمانجی شمالی یا اصطلاحاً کرمانجی

• کرمانجی جنوبی یا اصطلاحاً سورانی

کرمانجی شمالی گویش کردهای شمال خراسان، ناحیه مرزی ایران و ترکیه، آناطولی شرقی و شمال عراق است.

از لحاظ جمعیتی اکثر کردها با یکی از دو لهجه فوق صحبت میکنند.

سایر گویش های کردی عبارتند از گویش زازا که در قسمت کوچکی از کردستان ترکیه بدان تکلم میشود و گویشهای اورامی، ایلامی، کرمانشاهی، کلهری، کلیایی، پیروندی، لکی، فیلی (و یا پهلوی) که در کردستان ایران تکلم میشوند.

از لحاظ مذهبی اکثریت کردها مسلمان (و اهل سنت) هستند.

در استانهای کرمانشاهان، ایلام و بخش اعظم لرستان ایران نیز جمعیت قابل ملاحظه کرد شیعه زندگی میکنند.

علاوه بر این گروهی نیز که به یارسانیا سلسله اهل حق معروفند در بین کردها هستند و بقیه کردها مسیحی یا یهودی هستند.

## (۵) بلوچها

بلوچ نام یکی از اقوام خاورمیانه در ایران و پاکستان و افغانستان است. مردم بلوچ تبار در جنوب شرقی ایران و شرق پاکستان ساکنند. زبان بلوچی یکی از زبانهای ایرانی شاخه شمال غربی است. بلوچ ها، که نامشان در لغت به معنای آواره است، از معدود نژادهای ایرانی اند که عمدتاً شیوه زندگی نیمه بادیه نشینی خود را حفظ کرده اند. بیابانهای وسیع و بسیار کم جمعیت که منتها الیه جنوب شرقی ایران و نواحی دور افتاده غرب پاکستان را در بر می گیرد، سکونتگاه طبیعی بلوچ هاست. بلوچها سوارکاران ماهر و چابکی هستند و مسابقات شتردوانی آنها بسیار مشهور است

## (۶) بختیاریها

بختیاری نام یکی از قومهای بزرگ لر ایران معروف به لر بزرگ است که در زاگرس میانی سکونت دارند. (لر کوچک نیز تقریباً ساکنین لرستان و ایلام امروزی هستند). مناطق دورافتاده استان چهار محال و بختیاری و خوزستان سکونتگاه اکثر مردم بختیاری است. ولی امروزه تعداد بسیار زیادی از آنان در روستاها و شهرهای ساکن شده اند. گویش بختیاری یکی از گویشهای پارسی تبار یعنی از دسته جنوب غربی زبانهای ایرانی است. گویشها و زبانهای پارسی تبار عبارتند از فارسی، لری، بختیاری، لارستانی، و کومزاری. برخی از زبانشناسان، بختیاری را زیرشاخهای از لری به شمار می آورند و برخی آن را شاخهای جدا میدانند. یکی از اقوامی که در کنار بختیاریها هویت جداگانه ای کسب کرده اند عرب های کمری هستند. این اصطلاح را در مورد عربهایی به کار می برند که در مجاورت بختیاریها زندگی میکنند و با ایشان وصلت کرده اند؛ لذا از نظر رسم و رسوم و زبان و... اشتراکات زیادی با بختیاریها پیدا کرده اند. اما در اصل بختیاری نیستند. در حقیقت عرب کمری ها اعرابی هستند که اصطلاحاً در کوه و کمر زندگی میکنند و وجه تسمیه ایشان نیز همین است.

زبان ایشان در اصل عربی است که به عربی عراق بیشتر نزدیک است تا اعراب خوزستان و به مرور زمان با گویش بختیاری ترکیب شده است و اصطلاحاتی مخصوص به خود پیدا کرده است طوری که فهم آن هم برای اعراب و هم برای بختیارها ممکن نیست

#### ۷. قشقائی

قشقائی یکی از دو ایل بزرگ ایران است (ایل بزرگ دیگر بختیاری است). بیشتر ایل قشقایی در استان فارس ساکن هستند. بسیاری از آنها هنوز بصورت سیار در فصول مختلف سال از ییلاق به قشلاق کوچ می کنند. قشقاییها ترک تبار هستند. یکی از مناطق مهم عشایری ایران، استان فارس می باشد و بزرگترین ایل ایران (ایل قشقایی) با شش طایفه در فارس به کوچ روی ادامه می دهند. علاوه بر ایل قشقایی، ایل خمسه و ایل محسنی و همچنین طوایف کوچگتری به زندگی عشایری خود در فارس ادامه می دهند. ایل قشقائی یکی از ایلات مهم ترک زبان ایران است. قشقائی ها در دوره های مختلف به تدریج به این سرزمین کوچیده و در آن ساکن شده اند. در بررسی ایلات و عشایر ایران این نکته نیز اهمیت دارد که عشایر ترک زبان در سراسر ایران پراکنده هستند. این مساله بویژه با حکومت سلجوقیان، مغولان، تیموریان و صفویه شدت یافت. قشقائی ها شیعه جعفری هستند و به آداب و رسوم خود علاقه مندند. زبان قشقاییها ترکی قشقائی آمیخته به فارسی است و همه آنها فارسی را خوب میدانند و به آن به آسانی سخن میگویند. جمعیت ایل قشقائی نزدیک به ۳۰ هزار خانوار یعنی ۱۵۰ هزار نفر است.

#### ۷) لرها

لرها از نژاد آریایی آمیخته با قوم کاشی یا کاسیت هستند. در طول تاریخ گروههایی از اعراب و ترکها نیز با لرها اختلاط نژادی پیدا کردند ولی در مجموع اصالت نژادی آنها دست نخورده باقی مانده است. لرها که دو درصد جمعیت کشورمان را تشکیل می دهند، عمدتاً در استانهای لرستان و کرمانشاه و تا حدودی همدان ساکنند.

## ۸ اعراب

حدوداً ۴ درصد (دو و نیم میلیون نفر) جمعیت ایران عرب تبار هستند که بیشتر آنها در استان خوزستان و جزایر خلیج فارس سکنا گزیده اند. اکثر عربهای ایران هنوز به زبان عربی تکلم می کنند. آغاز کوچ عرب ها به خوزستان از پیش از اسلام در دوران ساسانیان بوده است. البته پس از اسلام نیز قبایل عرب در پی لشکریان فاتح، به سوی کشورهای گشوده شده از جمله مناطقی از ایران کوچ کردند که در خوزستان به علت وجود اعراب پیش از اسلام، پس از اسلام نیز قبایل و عشایر بسیاری به این منطقه آمدند. البته امروزه جمعیت عربهای خوزستان نسبت به اقوام فارسی زبان (بختیاریها، شوشتری و دزفولی ها) در اقلیت قرار دارند.

## ۹ آذری ها

آذربایجان نام منطقه ای جغرافیایی است در شمال غرب ایران شامل استانهای آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل. این منطقه سکونتگاه اصلی آذری های ایران است. ترکهای آذری بزرگترین اقلیت قومی ایران و تشکیل دهنده ۲۵ درصد کل جمعیت ایرانند. هر چند عمده ترکها در استانهای آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل زندگی میکنند اما شمار انبوهی از آنان در سایر استانهای کشور ساکنند

## ۱۰ ارامنه و یهودیان

ارامنه و یهودیان در نقاط مختلف شهری ایران زندگی میکنند. شمار زیادی از ارامنه در تهران و اصفهان ساکنند. یهودیان ایران نیز قدمتی ۲۵۰۰ ساله دارند. ولی بعد از ۱۳۵۷ تعداد اندکی از آنان در ایران ماندگار شدند که عمدتاً در چهار شهر تهران، همدان، اصفهان و شیراز باقی مانده اند

## ۱۱ آشوریان

بر اساس شواهد و مدارک موجود، آشوریها، قرنها در ایران سکونت داشته اند، لیکن نمی توان تاریخ دقیق ورود آنان را به ایران مشخص کرد.

برخی از این مهاجرتها در زمان تیگلات پلسر اول (۱۰۱۵-۱۰۷۷ ق.م) امپراتوری آشور، سناخریب، سرحدون و آشور بنیپال، شاپور اول (خسرو انوشیروان)، خسرو پرویز، خلافت عمر - یکی از خلفای راشدین - و بالاخره در سالهای اولیه جنگ جهانی اول پس از کشتار عظیم ارامنه و آشوریهای ترکیه توسط ترکان عثمانی بوده اند.

به طور کلی میتوان گفت که اسکان آشوریها در ایران با تاریخ این سرزمین عجین بوده است. واقعیت این است که آشوریها پس از سقوط امپراتوری در بین النهرین، جزئی از ملت ایران شده و با مردم این سرزمین سرنوشت مشترک پیدا کرده اند.

آشوریها خود به فرقه های مختلفی تقسیم میشوند: فرق مذهبی آشوریها عبارت است از کلیسای شرق آشوری، کلیسای کاتولیک (کلدانی آشوری)، کلیسای انجیلی آشوری، کلیسای جماعت خدا یا برادران آشوری (پنطی کاستی).

در حال حاضر تدریس زبان آشوری، در مدارس اختصاصی آشوریان ایران و برپایی مراسم و آیینهای دینی و مذهبی در کلیساهای چهارگانه آشوری به موجب قانون اساسی ایران آزاد است و انجام میشود.

همچنین آشوریان ایران در مجلس شورای اسلامی دارای یک نماینده هستند که این نماینده صاحب اختیاراتی همانند ۲۹۰ نماینده دیگر مجلس است.

## تاریخچه ی اقوام ایران

### ماساژت ها

ماساژت ها یکی از اقوام ایرانی تبار هستند.

ماساژت ها یک تیره ُ سکایی نیمه صحراگرد در آسیای میانه بودند.

در روزگار مادها، سکاها فراوان به مرزهای ایران می تاختند.

اینان گاه با آشور هم پیمان می شدند و زمانی زیر فرمان خود مادها با آشوریان می جنگیدند.

با آغاز کار هخامنشیان در گیریهای مرزی با سکاها دنباله داشت.

داریوش بزرگ ، دسته های بسیاری از آنان به شاهنشاهی هخامنشی پیوستند و به عنوان سرباز برای آنان جنگیدند.

با گذشت زمان گروهی از اینان به جنوب شرقی ایران کوچیدند و این سرزمین را به نام خود

سکستان (سیستان) خواندند.

تشکیلات اجتماعی ماساژت ها :

مادر خیلی اهمیت داشت - تاخت و تاز می کردند - سلاح اصلی آنها تیر - کمان تبر زین از جنس مفرغ - خورشید پرست بودند - غذای اصلی ماهی

### لولوبی ها

لولوبیان نام قومی ایرانی زبان است که از حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد در سرزمینی واقع در شمال غرب فلات ایران ساکن بودند و بیش از دوهزار سال در این نواحی زیستند.

لولوبیان در اواخر دوران خود دارای حکومت شده و با برخی از همسایگان خود در جنگ بوده‌اند.

کتیبه نارام سین در حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مضمونش مربوط به قوم لولو می‌باشد.

لباس، خط و زبان لولوبیان :

لباس لولوبیان نیم تنه‌ای بود که پوستینی بر آن اضافه می‌کردند.

در نقش برجسته آنوبانی نی شاه، دامنی از پوست داشته و ملکه نیز جامه‌ای بلند از پوست بر تن دارد.

آثار برجسته :

آنوبانی نی ملکه لولویی بود که نقش برجسته منصوب به او در شهر سرپل ذهاب، از قدیمی‌ترین سنگ نبشته‌های ایران با قدمتی حدوداً ۴۲۰۰ سال است.

داریوش پس از مراجعت از مصر با مواجهه به این اثر باعث شد که منبع الهام برای کتیبه بیستون شود .

### گوتی ها

نخستین قومی که بعدها از آنها نام برده شده است قوم گوتی بودند که در اسناد آشوری در عبارتی خشمگینانه از آنها با نام «گوتی های بی خرد» نام برده شده است.

وقتی نشانه های بازمانده از این قبایل را بررسی می کنیم متوجه می شویم که گوتی هامردمی



آریایی بوده اند که از زمانهای بسیار دوری در غرب فلات ایران جاگیر بوده اند، و بعد هم وارد اتحادیهٔ ماد شده اند که هم نژاد و هم زبانشان بوده اند.

از این رو گوتی ها را باید نخستین قبایل شناخته شدهٔ ایرانی در غرب فلات ایران دانست که در هزارهٔ سوم در این منطقه دارای تمدنی بوده اند؛ و خدایشان نیز آناهیتا(ناهید) بوده که یکی از خدایان بسیار دیرینهٔ ایرانیان است .  
کردها قومی خالصاً آریایی اند . اگر کاوشهای باستان شناسی در این منطقه صورت بگیرد شاید بتوان به پیوند تاریخی میان مردمی که شاهان به آنها نام گوتی داده اند و کردها دست یافت، و چه بسا که بتوان نام اصلی این قبایل را در میان یافته های باستان شناسی به دست آورد؛ مردمی که نیاکان بخشی از کردهای امروزی بوده اند.

### ماناها

ماناها مردمانی کهن با خاستگاهی ناشناخته بودند که در حدود سده‌ی دهم تا هفتم پ.م. در منطقه‌ی کنونی آذربایجان می‌زیستند..  
پادشاهی مانایی در حدود ۸۵۰ پ.م. بود که رو به شکوفایی و بالندگی نهاد. ماناها در اصل مردمانی یک‌جانشین بودند و به کشت‌وکار و پرورش اسب می‌پرداختند. پایتخت آنان شهر مستحکم به نام (Izirtu) بود.

آثار باستانی :

آثار باستانی منائیان بیشتر در کردستان و آذربایجان می‌باشد. گنج زیویه، آثار کشف شده می‌باشد.

در کاوش‌های تپه حسنلو و شهر سقز و زیویه در (نزدیک سقز) نیز آثار باستانی منایی به دست آمده است .

### کاسیان

کاسیان در هنر **فلزکاری** که آهن هم در ردیف آنها بود، مهارت بسیار داشتند و نیز در **سوارکاری** از اقوام دیگر چالاک‌تر و ماهرتر بودند.

همین قوم «کاسی» بود که نژاد اصیل اسب را به **بین‌النهرین** آورد و این نژاد اسب از آنچه سومری‌ها داشتند، برتری یافت و نیز نوشته‌ها و دستورهایی دربارهٔ تعلیم و نگهداری اسب از آنان باقی مانده است که نشانهٔ عشق و علاقهٔ آنان به اسب و سوارکاری است.

در دوره کاسی‌ها و در مرز بین **ایلام** و **لرستان** کنونی شهری به نام «لور» وجود داشت که با اتفاقات و جریاناتی که صورت گرفت، مهاجرت به سمت شمال صورت گرفت و نام «لر» شکل گرفت. با آمدن کاسیان کار مفرغ سازی در لرستان صورت جدیدی یافت.

به بدنهٔ ارابه‌ها وصل می‌شد. همچنین افزارهای دیگر و سلاح‌هایی مانند تبر و گرز که سر آنها نیز به شکل سر اسب ساخته می‌شد و همه مشخصات اسب مثل چشم و یال و گوش و ... بر آنها ترسیم می‌گردید.

### **بلخ (باکتريا)**

بلخ به قولی کهن‌ترین شهر تاریخ جهان است که پیشینهٔ آن به هزاران سال قبل از میلاد برمی‌گردد و یکی از شهرهای مهم امپراتوری ایران بوده است.

زرتشت بین سالهای ۱۷۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد در بلخ ظهور کرد و پادشاه کیانی دعوت وی را به آیین زرتشت پذیرفت و همواره از مروجان و طرفداران آیین زرتشت بود.

در زمانهای پیش از اسلام بلخ مرکز و آغازگر زبان **اوستایی** و دین **زرتشتی** بود و در دوره‌هایی از مراکز دین **بودایی** و محل معبد معروف «نو بهار» بود.

## قوم سکاها

• سکاها دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین آریایی بودند که محل زندگی آنان از شمال به دشت‌های جنوب سیبری، از جنوب به دریای خزر و دریاچه آرال، از شرق به ترکستان چین و از غرب تا رود دانوب می‌رسید.

کاسی‌ها قوم کوچ‌نشین که در حوالی دریای مازندران بودند به همین دلیل به دریای کاسپین معروف شد.

سکا یا سکا نامی است که در منابع قدیمی برای سکا‌هایی که از طرف آسیای میانه با ایرانیان سروکار داشتند، به کار رفته است. سکا‌ها یا سکا‌ها در زبان‌های اروپایی به سیت معروف هستند.

خصوصیات سکاها:

- سوار کار و تیر انداز های ماهر بودند.
- لباس های شاد می پوشیدند.
- اعتقاد به سحر ، جادو و طلسم داشتند.

ویژگیهای اقوام ایرانی :

۱ عدم مهاجرت اقوام ایرانی :

دربرسی های پژوهشگران غربی، تحقیقات قومی معطوف به مهاجران به یک سرزمین در برابر شهروندان بومی است .

ایتالیایی ها، سیاهان، چینی تبارها و عرب ها از جمله قومیت های مورد پژوهش غربی ها هستند .

مدت اسکان این مهاجران در جامعه جدید معمولاً از چند سال و حداکثر چند دهه فراتر نمی رود، در حالی که تمامی گروه های قومی ، مذهبی و زبانی ساکن ایران صدها و بعضاً هزاران سال است که مانند سایر ایرانیان در این سرزمین زیسته اند و نه تنها مهاجر تلقی نمی شوند، بلکه وارثان تاریخی ایران هستند.

۲ افزوده نشدن به قومیت ها در اثر کشورگشایی :

واقعیت های تاریخی نشان می دهد هیچ کدام از اقوام ساکن ایران در طول تاریخ بر اساس کشورگشایی به ایران اضافه نشده اند و اغلب مهاجمان بیرونی در فرهنگ غنی و ژرف ایران

اسلامی مستحیل شده اند، در حالی که در بسیاری از کشورهای دارا مسائل حاد قومی این وضعیت وجود دارد.

۳ برخورداری از مشترکات تاریخی کهن:

اکثریت قابل توجه ایرانیان در دین اسلام، در ادب و رسوم فرهنگی دارای مشترکات تاریخی کهن بوده و در طول تاریخ همزیستی مسالمت آمیزی کنار هم داشته اند. ادبیات و آموزه های ادب ایرانی در اشعار شعرای فرزانه ای مانند: مولوی، حافظ، سعدی، فردوسی، رودکی، صائب تبریزی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، ابن سینا، سید محمد حسین شهریار و گلشن کردستانی مشحون از مفاهیم و ارزش های مشترک بر محور ایرانی بودن است و پایه های ملیت ایرانی و زبان فارسی صرف نظر از گویش ها و لهجه های مختلف و زبان های دیگر و اسلام و مذاهب مختلف بر مبنای تساهل فرهنگ ایرانی تشکیل شده است، به نحوی که اقلیت ها هرگز احساس ناامنی نکرده اند.

فرهنگ ایرانی سخنگویانی داشته که همه مردم ایران را از هر قومیت و هر ناحیه ای بر سر یک سفره معنوی نشانده است و آنان را بهره مند کرده است.

۴ □ عدم گسست وحدت ملی:

واقعیت ها نشان می دهد تفاوت های زبانی، مذهبی و حتی اقوام ایرانی موجب گسست همبستگی ملی نبوده است و همه اقوام ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی با اشکال مختلف به ایرانی بودن خود افتخار کرده اند که یکی از شکوهمندترین صحنه های آن حضور فراگیر اقوام مختلف ایرانی و پیروان ادیان و مذاهب مختلف در جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس و تقدیم شهدای فراوان به جمهوری اسلامی ایران بود. بنابراین، آذری بودن، بلوچ بودن، کرد بودن، عرب بودن، لر بودن و گیلک بودن یا شیعه و سنی بودن در فضای ایران هرگز تقابلی با ایرانی بودن نداشته است و به قول "ریچارد کاتم": "نه تنها مردم مناطق مختلف ایران با زبان و گویش های متفاوت هویت خود را با تاریخ مشترک

و واحد ایرانی بودن پیوند زده اند، بلکه حتی مردم ترک زبان آذربایجان، سرزمین خود را یکی از مهمترین گاهواره های تمدن ایرانی می دانند و بسیاری از دانشمندان، علما و فقها و شخصیت های بزرگ فرهنگی، علمی و ادبی ایران از منطقه آذربایجان بوده اند که خدمات برجسته ای در شکوفایی تمدن ایرانی - اسلامی داشته اند

۵- شکل گیری ملت در ایران قبل از ظهور ناسیونالیسم:

مطالعات پژوهشگران نشان می دهد که ایران سرزمینی دارای ویژگی های منحصر به فرد است که یکی از این ویژگی های اختصاصی اش مقوله شکل گیری ملت در ایران قبل از پدیده ناسیونالیسم مدرن اروپایی است و ایران از جمله کشورهای نادری است که در آن برخلاف اروپا، ملت پیش از دوران مدرن شکل گرفته است و به همین دلیل از آن به عنوان ملت های پیش از ملی گرایی نام برده شده است.

ظرفیت های حقوقی شایان توجه، بررسی سیاست های موجود در خصوص تنوعات قومی، اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران توجه به دو موضوع حائز اهمیت است. اول مبانی حقوقی مشتمل بر قانون اساسی، آئین نامه ها و بخشنامه ها که این بخش توسط مراکز اصلی و قانون های حاکمیت و قدرت اعمال می شود و جنبه پایدارتری دارد. دوم رفتار واکنش های عینی و بروز یافته در میان گروه های اجتماعی و قومی یکه این حوزه را می توان عرصه رفتاری نامید.

### فرهنگ سیاسی :

فرهنگ سیاسی مجموعه ای است از **آرمانها، نگرشها و طرز برخورد های کم و بیش ثابت درباره قدرت و سیاست** که تحت تاثیر عقاید، نهادها و ارزشها (عناصر فرهنگی) که در اجتماع شکل می گیرد و **به رفتارهای سیاسی** در قبال نظام جهت می دهد

انواع فرهنگ سیاسی :

۱- فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال):

یعنی فرهنگی که در آن مردم در امور سیاسی جامعه **مشارکت فعالانه** ای از خود نشان می دهند و نسبت به **حق شهروندی خود آگاهند**، نظام سیاسی خود را قبول دارند در تصمیم سازی **ایفای نقش می کنند** از مسائل سیاسی جامعه آگاهند و می توانند، تقاضای سیاسی خود را مطرح سازند و از رهبران سیاسی خود حمایت می کنند.

۲- فرهنگ سیاسی تبعی (منفعلانه ، اطاعتی):

در این نوع فرهنگ سیاسی هرچند مردم خود را شهروند می دانند و نسبت به مسائل سیاسی جامعه آگاهی دارند اما مشارکت آنان در سیاست انفعالی است ، نظام سیاسی کشور را خیلی نمی پسندند ، احساس تکلیف سیاسی و تعهد نسبت به دخالت در امور نظام سیاسی خود ندارند ، احساس می کنند که در تصمیم سازیهای کلان دخالتی ندارند و در مراکز قدرت تاثیری ندارند اطاعت آنان از مقامات حکومتی و مشارکت در انتخابات و فرایند سیاسی منفعلانه است، این فرهنگ ویژه جوامع سنتی، الیگارش (یک گروه کوچک بر گروه بزرگ حکومت میکند) و سلطنتی است .

۳- فرهنگ سیاسی محدود ( بسته):

در جوامعی که از این فرهنگ برخوردارند ، افراد نسبت به حقوق شهروندی خود آگاه نیستند و به دخالت در سیاست علاقه ای ندارند حتی خود را عضو جامعه نمی دانند بنابراین به طور کلی از سیاست و حکومت بی اطلاع بوده و فقط درگیر خانواده و امرارمعاش خود هستند. این نوع فرهنگ سیاسی را قبیله ای نیز می گویند. وبه افراد دارای این نوع فرهنگ که مخصوص جوامع عقب مانده سیاسی هستند کوچک اندیش می گویند.

معضلات فرهنگ سیاسی

- ۱- سکوت مطلق در برابر تمام سیاستگذاریهای اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی دولت (نظام):  
به قصد اجتناب از هرگونه تشنج و درگیری فردی و اجتماعی از ترس موقعیت شغلی ، اجتماعی و غیره به منظور کسب آرامش در زندگی در برابر سیاستگذاریهای مختلف سکوت مطلق اختیار می کنند. اینگونه افراد حتی فردی درستکار، متدین و مقبول هستند ولی حاضر نیستند آرامش خود را از دست بدهند، سکوت مطلق بهترین روش و راه رسیدن به آرامش است

• ۲- عدم اظهار نظر موضع گیرانه (صریح) هنگامی که حقی یا باطلی آشکار شده است :

این شیوه رفتاری نوعاً به **امید کسب مقام یا منصبی میانی و شهرتی نسبی** صورت می پذیرد.

اینگونه افراد الزاماً ذلیل و ترسو نیستند بلکه افراد با تجربه و آگاه هم هستند که در اظهار نظرشان همگی حساب و کتاب خاصی دارند در جاییکه بدانند که اظهار نظرشان هرچند حق و درست باشد به کس بر می خورد اظهار نظر نمی کنند و یا به صورت زیرکانه و محتاطانه اظهار نظر می کنند تا به طرفین (کسی) بر نخورد، ولی در جایی که **اظهار نظر آنها به کسی بر نخورد** بسیار دقیق و کارشناسانه نظر می دهند.

• ۳- دم فرو بستن به هر نوع انتقادی از تمام صاحبان قدرت و تمام سیاستهای آنها :

همزمان با حمایت از برخی صاحبان قدرت و سیاستهای آنها همچون سخنرانی ، مقاله نویسی و شرکت در محافل سیاسی آنها اینگونه افراد بدون اینکه عداوت یا کینه توزی اشخاص صاحب منصب و قدرتمند را برانگیزند به **عضویت شبکه های قدرت و ثروت در می آیند و از مواهب این عضویت بهره مند می شود (استفاده از بیت المال و ...)** از تعقیب و مجازات قضایی نیز گاهاً **مصونیت پیدا می کنند** البته این مصونیت هم به میزان تقرب و نزدیکی به افراد صاحب منصب و صاحب قدرت متفاوت است.

• ۴- موضعگیری نسبت به برخی سیاستها و سیاستمداران گروه مخالف و همزمان موضع گیری نسبت به سیاستها و سیاستمدارانی که همدست و هم رانت اند البته این موضع گیری حالات گوناگون دارد :

**الف)** سکوت در برابر سیاستهای گروه مخالف با اینکه می داند سیاستهای آنها صحیح و حق است و همزمان سکوت در برابر سیاستهای سیاستمداران هم خط و هم رانت با اینکه می داند سیاستهای آنها نادرست است .

ب) سکوت در برابر سیاستهای گروه مخالف ، در حالیکه سیاستهای آنها را حق و صحیح می دانند همزمان حمایت از سیاستمداران هم خط و هم رانت با علم بر اینکه سیاستهایشان نادرست و باطل است .

ج) اعتراض و انتقاد از سیاستها و اقدامات گروه مخالف با اینکه می داند سیاستهای آنها صحیح و حق است و همزمان سکوت در برابر سیاستها و اقدامات سیاستمداران هم رانتی و هم خطی با علم به نادرستی و باطلی آنها .

د) اعتراض و انتقاد از اقدامات و سیاستهای گروه مخالف در حالیکه آن سیاستها را حق و درست می داند همزمان حمایت و تحسین از سیاستها و اقدامات سیاستمداران هم خطی با علم به نادرستی و باطل بودن آن سیاستها .

اینگونه افراد چون آگاهانه و عامدانه اقدام می کنند هزینه های بسیار سنگینی به فرهنگ سیاسی و نظام تحمیل می کنند و با رویکرد منافقانه در دل به ریش افراد و رجال پاک و مخلص می خندند.

سیاست فرهنگی:

سیاست فرهنگی :مجموعه مداخلاتی که سازمانها اعم از دولتی ، خصوصی و مدنی برای تغییر در روند حرکت یک جامعه یا ملت انجام می دهند تا بتوانند یک نظم نهادین متناسب با اهداف مشخص ایجاد کنند به عبارت دیگر اصول و ارزشهایی که موجودات اجتماعی را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می کند.

سطوح سیاست فرهنگی :

- ۱- (سطح مصوب) : که در قالب قانون اساسی و قوانینی است که از سوی نهادها به تصویب می رسد
- ۲- (سطح محقق) : برنامه هایی است که دستگاههای اجرایی ، سازمانهای خصوصی و دولتی اجرا می کنند .



• ۳- (سطح مجرب یا تجربه شده): آن چیزی است که مردم عملاً دریافت می کنند و به آن شکل می دهند .

• در گروه یا جوامع با ساختار دموکراتیک این سه سطح همپوشانی دارند در حالیکه در ساختارهای غیر دموکراتیک این همپوشانی دیده نمی شود .

در دموکراسی فرهنگی ( دموکراتیک کردن فرهنگ) مردم به جای اینکه تنها مصرف کنندگان فرهنگ باشند به عنوان مولدان و تولیدکنندگان ایفای نقش می کنند

### **ژئوکالچر (جغرافیایی فرهنگی):**

(ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر):

ژئوکالچر هر جامعه و کشور در مرحله اول در محدوده جغرافیایی آن جامعه یا کشور مصداق داشته و به فعالیت می پردازد .

در مرحله دوم سعی در خارج شدن از محدوده جغرافیایی خود داشته و دامنه فعالیت خود را به سایر جوامع و کشورها گسترش می دهد .

از ویژگی های هر فرهنگ اینست که معمولاً خود را فرهنگ برتر دانسته و برای اینکه جهانی شوداز هیچ گونه کوشش و تلاشی فروگذار نیست

# فولکلور

اصطلاح فولکلور از دو واژه **فولک به معنای مردم** ، گروه ، طبقه **ولور به معنای دانش** تشکیل شده است .

فرهنگ عامه اصطلاحی کلی است برای جنبه هایی از فرهنگ بشری که از طریق شفاهی ، مشاهده ، تجربه و تقلید به زندگی مردم منتقل می شود . مردم معمولاً در ساختار فرهنگی سهیم هستند که شناخت آن از طریق زبان رایج ، انواع پیشه ها ، پیوستگی نژاد ها ، دوره های تاریخی یا محیط جغرافیایی میسر می شود . اشکال و پیکره ی سنت ها ، آیین ها و رسوم در جامعه باقی می ماند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود آداب و رسومی که در یک منطقه خاص مورد استفاده قرار می گیرد و در نقاط دیگر رایج نیست "فولکلور" نامیده می شود که برای مردم آن منطقه "**سنت**" و برای مردم سایر **نقاط کشور (جهان) فولکلور** می باشد .

این اصطلاح را اولین بار **ویلیام جان تامس انگلیسی در سال ۱۸۴۶** میلادی به جای باستان شناسی عمومی به کاربرد : که به نحوه ی زندگی انسان ها ، در طبیعت ، رفتارها و هم چنین به معنای مشترکی گفته میشود که عامه مردم جامعه در زندگی روزمره با آن سروکار دارند .

از قرن ها پیش در اروپا عده ای از دانشمندان و نویسندگان در کنار ادبیات رسمی ، به منظور سرگرمی ، بخش های گوناگون ادبیات عامه را جمع آوری کردند .

**در قرن شانزدهم نویسنده ی ایتالیایی "تاورو"** مجموعه ای از قصه های خنده دار و دور از ادب را منتشر کرد که منابع آنها ادبیات شفاهی بود.

از اوایل قرن نوزدهم ، کم مطالعه ی فولکلور جنبه علمی یافت ، به این معنا که تحقیق درباره ی معتقدات و ادبیات شفاهی و اعمال و رفتار توده ی مردم نه به منظور تجویز یا تحریم آن بلکه با هدف شناخت واقعیت های اجتماعی مطرح شد .

### نفس‌تین پژوهش گران فرهنگ عامه در ایران

آقاجمال خوانساری باورهای زنان عصر صفویه را ، که حاوی آداب و رسوم و باورهای آنان است در کتاب کثوم ننه یا عقاید النساء جمع آوری کرد .

همچنین در این دوره میرزا حبیب اصفهانی به ثبت پاره ای از لغات کوچه و بازاری و اصطلاحات عامیانه ی میان مردم همت گماشت .

بعدها علی هانیبال به گردآوری منظم بازی بچه ها ، باورها ، لالی‌ها و ترانه های عامیانه پرداخت و تاحدیروش تحقیق در فولکلور را ارائه کرد .

علی اکبر دهخدا ، صادق هدایت ، محمدجعفر محجوب ، کوهی کرمانی ، ملک الشعرای بهار نیز از جمله کسانی هستند که کتاب و مقالات ارزشمندی در زمینه فولکلور نوشته اند .

اما واژه فرهنگ عامه با فولکلور را در ایران نخست رشید یاسمی با ارائه مقاله ای در قالب سخنرانی در سال ۱۳۱۵ شمسی در دانشگاه تهران مطرح کرد .

از نظر وی ، علم فولکلور ثابت کرد که در میان توده هم علم هست . با این معنی که دانش معینی وجود دارد که مبادی و سائل آن از توده ی خلق گرفته می شود . هرچند عموم مردم به ترتیب علمی در آن وارد نباشند.

### پیشینه تاریخی فولکلور در ایران :

- (۱) دسته ای از مفاهیم فولکلوریک از دوران پیش از اسلام وجود داشته که گاه به صورت های دیگر از سنت اسلام جلوه گر شده اند و برخی جشن ها و آیین های ملی نیز با همان اصالت باستانی خود هنوز در میان مردم زنده اند .

• (۲) دسته ی دیگر آنهایی هستند که **ریشه اسلامی** دارند و گاه بارنگ اسلامی و زمانی با رنگ وبوی ملیت و هویت ایرانی آشکار می شوند .

• (۳) دسته سوم مجموع اعتقادات ، باورها و موهوماتی است که ظاهراً **ریشه ملی یا دینی ندارند**، بلکه **باید مبدأ آنها را ترس انسان از طبیعت** و نیروهای آن یا بیم از بیماری، مرگ و حوادث گوناگون دانست.

### منابع و انواع فولکلور:

مطالعات فرهنگ عامه را به طور کلی در پنج بخش می توان تقسیم کرد :

۱) اعتقادات و باورها : عقاید مردم تعیین کننده ی نوع رفتار و کردار آنهاست . این عقاید معمولاً به جهان بینی دستگاہ فکری ، مکتب ها و یا مذاهب مربوط می شوند و از طریق آنها می توان درباره ی انواع اعتقادات اسلامی ، مسیحی و ... مطالعه کرد . یکی از علل وجود فولکلور را می توان کنجکاوی انسان درباره ی پیدای جهان هستی دانست . بدین ترتیب که انسان چون نمی توانست پاسخی علمی برای کنجکاوی خود بیابد به اسطوره ، که بخش عمده ای از ادبیات شفاهی ملت ها بدان اختصاص دارد پناه می برد.

غالباً در زبان و ادبیات آثاری از فولکلور و به اصطلاح فسیل آنها ، به جا مانده و خود اسطوره ها از میان رفته اند و محقق فرهنگ عامه ( فولکلور ) باید با بررسی تغییرات آنها طی قرون ، اعتقاد مردم را درباره ی وقایع اصلی و تاریخی شان بیابد.

۲) سنت ها : سنت ها را می توان در انواع جشن ها و آیین ها ، بازی ها ، پخت و پزها ، لباس محلی، انواع میهمانی و مراسم تعزیه و سوگواری مشاهده کرد . اعیاد و جشن های ملی و مذهبی ، ایام مهم مربوط به وقایع مهم ، ایام شهادت پیشوایان مذهبی و شخصیت های ملی ، ارائه خدمات مهم مذهبی و ... را می توان مربوط به سنت ها دانست.

۳) روایت : روایت یا روایات را میتوان به احادیث دینی اطلاق کرد . هم چنین در معنی کلی ، اشعاری که طی آنها داستانی بیان می شود ، افسانه ها ، قصص و حکایات را میتوان از مقوله ی

روایات دانست . روایات ادبی به نظم یا به نثر ، که شفاهی در جهان گسترش می یابد ، از اشکال روایت است . مردم نوعاً بهترین روایات شفاهی را می شنوند و بهترین آنها را بخاطر می سپارند و باز بهترین محفوظات را برای دیگران نقل می کنند و به این ترتیب در گزینش روایت پیوسته پیرایش و پالایش صورت می پذیرد . در هر حال ویژگی اساسی روایات و داستان های عامیانه ، انتشار آن هاست و این که از نسلی به نسل دیگر و از فرهنگی به فرهنگی دیگر به طریق شفاهی انتقال می یابند . بخش مهمی از داستان های عامیانه روایات حماسی و افسانه ها و داستان های پریان است که گاهی هم در یکدیگر ادغام می شوند.

۴) گفتارهای عامیانه : به ضرب المثل ها ، اصطلاحات زبانی و اشعار ساده و موزون ، گفتارهای زیبا و افسون گرانه ، معما یا چیستان مربوط می شود . یکی از مهمترین منابع ضرب المثل ها ، کتب مقدس مذهبی در عهد عتیق است همچنین در قرآن کریم مثل های فراوانی بیان شده است ، مهمترین راه پیوند و ارتباط انسان ها با یک دیگر زبان است زبان اصطلاحات و ضرب المثل ها تفهیم و تفاهم را بسیار آسان می کند.

کاربرد انواع زبان را می توان به ترتیب زیر دسته بندی کرد:

الف ) زبان هنجار :

زبانی است ساده و بی پیرایه و خالی از هر نوع استعاره ، تشبیه و مجاز و کنایه ، زبانی دستوری که با گونه ی محاوره ای متفاوت است .

ب ) زبان معیار :

زبان کاربردی و نقش گرا است . زبانی که در سازمانهای کشوری و لشگری به شیوه های خاصی بکار می رود . هر سازمان اجتماعی از زبان و اصطلاحات خاص خود برخوردار است .

ج ) زبان هنری یا ادبی :

در شعر و داستان و انواع ادبی به کار می رود .

(د) زبان گفتاری :

زبان محاوره ای و همگانی است که اصطلاحات متنوعی دارد.

۵- هنرهای عامه : هنر مربوط به فرهنگ عامه هنر انضمامی است و کمتر انتزاع در آن راه دارد. هنر عامه در تاروپود اجتماع تنیده است . هنر پایبند به فرهنگ مردم ، وقف زندگی مردم است و هنرمند پایبند به فرهنگ عامه با هنرش در مراسم جشن و سرور و سوگ و عزا شرکت می کند .

هنر مردمی یعنی هنری که از زندگی مردم جدا نیست بلکه بافته شده در متن اصلی زندگی آنهاست.

قلم زنی ، نقاشی ، سوزن دوزی ، گل دوزی ، ساخت ظروف تزئینی غذا آثار دست ساز صنعت گران و هنرمندان از هنرهای عامیانه بشمار می آیند . سازندگان آثار یاد شده اغلب بی نام و نشان و یا گمنام اند . یعنی کسانی هستند که تحصیلات علمی در دانشگاه ها را ندارند.

به طور کلی فرهنگ عامه دارای دو ویژگی بارز و مشخص است :

الف) فولکلور همه ی کشورها اغلب زاینده تجربه اجتماعی است ، هیچ نمود فولکلوریک وجود ندارد که نتیجه ی تجربه ای از گذشتگان نباشد و یکی از علل اعتبار فولکلور همین است .

ب) ویژگی دیگر منطقه ای بودن آن است . هر منطقه ای متناسب با اوضاع و احوال جغرافیایی خویش دارای فولکلور خاصی است که انسان بوی خاک ، گل و گیاه آن را در خلال مطالعه ی فولکلورش حس می کند .

**عوامل موثر در فولکلور ( فرهنگ عامه)**

الف ) تکنولوژی : در پی انقلاب صنعتی برخی از سنت ها و نهادهای کهن ( روستاها ) به هم ریخت و در فرهنگ عامه تاثیر بسزایی گذاشت .

ب) وضعیت جغرافیایی : مثلا آب و ارزش های آن در زندگی کشاورزی باعث می شود که در مناطق خشک و کم آب ، جشن ها و مراسمی برای باران خواهی و ... برگزار شود .

ج) افکار و اعتقادات دینی :

این اعتقادات در خلق برخی از مفاهیم فولکلوریک موثر است

د) معیشت : یکی دیگر از عوامل موثر در فرهنگ عامه نظامهای معیشتی است . در نظام کشاورزی زمین و آب اهمیت دوچندان دارد . مراسم ویژه مثل جشن های بهار ، پاییز و پایکوبی به هنگام بذرافشانی و ... برپا می شود .

موفق باشید